

کارگاه مورخ ۹۹/۷/۲۹

وکیل مربی جناب آقای مهدی یزدی پور

دفاعیات وکیل فرضی محدثه السادات عرشی

### تمهیدات آیین دادرسی کیفری

موکل بنده آقای «الف» اکنون در زندان پیرانشهر هستند و بنده برای اخذ وکالتنامه از ایشان به زندان پیرانشهر مراجعه می‌کنم. از آنجایی که رای ایشان به صورت غیابی بوده و ایشان امکان دفاع در پرونده را نداشتند، اقدام به واخواهی می‌کنم. در زمان دستگیری آقای «الف» اقرار کرده بود دلارها را از یک صرافی در تبریز سرقت کردم، پاسپورت را به واسطه یکی از دوستانم که در تهران جعل کرده بود و به اینجانب تحویل داد؛ همچنین ۵۰ گرم تریاک را از ارومیه خریداری نموده است. از آنجایی که جرایم موکل بنده مشمول تعدد مادی هستند و با توجه به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات اشد در خصوص ایشان قابل اجراست اگر چه مجازات قصاص نفس قابل جمع با جرایم دیگر نیست لیکن مستنداً به ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دادگاهی رسیدگی می‌شود که مهم‌ترین جرم در آن حوزه اتفاق افتاده است. با توجه به اینکه قتل عمدی مهم‌ترین جرم و به عبارتی قصاص نفس بیشترین مجازات موکل بنده است، در خصوص واخواهی بنده در دادگاه کیفری یک قزوین اقدام به واخواهی کرده و از موکل در پیرانشهر وکالتنامه اخذ کرده و به صورت جداگانه از وراثت آقای الف نیز وکالت اخذ می‌کنم. بنابراین بنده تقاضای تجمیع رسیدگی در دادگاه حوزه مهم‌ترین جرم ارتكابی را دارم. لذا از آنجایی که خرید و فروش مواد مخدر مستنداً به ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد، از نظر صلاحیت ذاتی با دیگر جرایم ارتكابی آقای «الف» متفاوت است. بنابراین برای همه اتهامات ایشان دادگاه کیفری یک قزوین صالح به رسیدگی است و برای اتهام خرید تریاک دادگاه انقلاب ارومیه را مورد خطاب قرار می‌دهیم.

از نظر تقدم و تأخر مستنداً به ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دادگاهی رسیدگی می شود که از نظر اهمیت بالاتر است. اگر از نظر اهمیت مشخص نباشد که کدام جرم مهم تر است ، دادگاهی صالح به رسیدگی است که در صلاحیت دادگاه انقلاب است. و لیکن از آنجایی که در این پرونده موضوع قصاص نفس از اهمیت بیش تری برخوردار است ابتدا به این پرونده رسیدگی می شود که در حین رسیدگی به این پرونده به صورت توأمان به اتهامات دیگر نیز رسیدگی می شود. در خصوص رسیدگی به جرم خرید و نگهداری مواد مخدر پس از پرونده قتل عمد رسیدگی می شود.

### اعتراض به ضبط وثیقه

با اذعان به اینکه موکل پس از اینکه توارى پسرشان آقای «الف» و نیز پس از ابلاغ واقعی به موکل برای احضار متهم و همچنین اظهار عجز از احضار متهم دچار سکتة مغزی شده و دادستان قزوین نیز پس از اتمام تشریفات قانونی دستور ضبط وثیقه را صادر و به ایشان **ابلاغ قانونی** می گردد. ایشان یک روز پس از با خبر شدن از ضبط وثیقه فوت می نماید . لازم به ذکر است آقای «الف» پس از ضبط وثیقه در پیرانشهر دستگیر می شوند.

در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۲۸ قرار ضبط وثیقه به پدر آقای «الف» ابلاغ قانونی می شود.. بنابراین بنده مستنداً به ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مراجعه می کنم به مرجعی که دستور توقیف داده و اذعان داشته ایشان در زندان پیرانشهر هستند و تقاضای اعزامشان را داریم تا جلوی عملیات اجرایی گرفته بشود و حداقل تا یک چهارم را بتوانند پرداخت کنند.

همچنین پدر آقای الف در مدتی که برای احضار تعیین شده دچار بیماری سختی گردیده که توانایی احضار متهم را نداشته است و در اثر آن بیماری نیز فوت می کند . همچنین پدر آقای الف معسر بوده و وثیقه خانه مسکونی ایشان بوده که از مستثنیات دین ایشان بوده است. لذا مستنداً به بند «پ» ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ وثیقه گذار که مشمول بند «ب» ماده ۱۷۸ و همچنین تبصره ۳ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می باشد ، تقاضای نقض قرار صادره از محضر دادگاه مورد استدعاست.

فرجام خواهی :

۱- بند «ب» ماده ۴۶۴ قانون فوق که اشاره کرده به: «ادعای عدم رعایت اصول مربوط به دادرسی که به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی دادگاه شود. با توجه به اینکه رأی صادره قصاص نفس هست و موضوع اتهام نیز قتل عمد می باشد، رأی به صورت غیابی صادر شده لیکن در خصوص این جرایم حتما باید یک وکیل دادگستری تعیین میشد و در صورت غیبت نیز دادگاه برای ایشان از کانون وکلای دادگستری تقاضای «وکیل تسخیری» می نمود. با توجه به محتویات پرونده از آنجایی که رأی به صورت غیابی صادر شده متوجه می شویم وکیلی در این پرونده نبوده است. بنابراین وجود وکیل یکی از اصول دادرسی است که فقدان آن نقض این اصول است و از آنجایی که دارای درجه ای از اهمیت است که موجب بی اعتباری رأی دادگاه می گردد.

۲- بند «پ» ماده ۴۶۴ قانون فوق اشاره کرده به: «عدم انطباق مدارک با مستندات موجود» و در خصوص این پرونده به این دلیل که برای اجرای قسامه باید لوث علم آور برای قاضی وجود داشته باشد و با توجه به اینکه که یکی از موارد لوث یک شاهد هست که آقای ب بوده و متقابلاً برادر زاده موکل بنده نیز در آنجا حضور داشته و همچنین تناقض در نظریه پزشکی قانونی و محتویات پرونده حاکی از ارائه مدارکی است که با مستندات موجود منطبق نیستند.

بنابراین شواهد و قرائن مذکور لوث علم آور برای قاضی را زایل نموده و قسامه نیز متعاقباً به علت فقدان این شرط بی اعتبار می باشد. بدین ترتیب مستنداً به قسمت دوم ماده ۳۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند ب و پ ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ و با توجه به قاعده احتیاط در دماء و تفسیر به نفع متهم از محضر دادگاه تقاضای اعمال تجدیدنظر و رسیدگی مجدد در جهت اسقاط اعتبار قسامه و نقض حکم صادره مورد استدعا می باشد.

وکیل مربی جناب آقای مهدی یزدی پور

دفاعیات وکیل فرضی آقای ب خانم مریم بابائی

با کسب اجازه از محضر محترم دادگاه و همکار محترم

### ریاست محترم دادگاه کیفری دو قزوین

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۸۰۵۳۵ به وکالت از آقای ب به استحضار می رساند:

۱- الف) مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۳ آن که مقرر می دارد «...دادستان می تواند حداکثر تا سه روز در صورت رعایت شرایط ماده فوق به محکوم مرخصی اعطا نماید و اگر مرخصی زندانی در کسب رضایت شاکی خصوصی موثر باشد به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام محکوم می تواند حداکثر تا ۷ روز از مرخصی استفاده نماید عنوان می دارد» محکوم با رعایت تمامی مقررات و شرایط قانونی می تواند حداکثر از ده روز مرخصی استفاده نماید لذا محکوم مستحق ۱۵ روز مرخصی نبوده و از این جهت اعطای ۱۵ روز مرخصی به محکوم مطابق قانون نبوده و نیست .

ب) متأسفانه آقای ب پس از مرخصی مرتکب جرائم دیگری از قبیل سرقت و ضرب و جرح عمدی در حد مرگ با معاونت برادرزاده ۱۴ ساله خود، ضرب و جرح با چاقو، سرقت پول، سرقت اوراق بهادار آقای ب نیز گردیده اند که مستنداً به ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی تقاضا تعقیب کیفری ایشان مورد استدعاست فوت برادر آقای ب به دلیل ضرب و جرح عمدی آقای الف به وضوح مبین شدت ضربات وارده و وقوع جرم ضرب و جرح عمدی منتهی به فوت می باشد کما اینکه در دادگاه کیفری قزوین نیز با توجه به کیفرخواست صادره ی دادستان محترم در دادسرا، اتهام ایشان ثابت تشخیص گردیده است.

ج) طبق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می دارد «...بازپرس می تواند ... در صورت وجود دلایل کافی یکی از قرارهای تامین کیفری را صادر نماید همانطور که ملاحظه می گردد یکی از علل صدور قرار تامین کیفری وثیقه، که یکی از شدیدترین قرارهای تامین کیفری می باشد وجود دلایل کافی برای ارتکاب جرم می باشد لذا بازپرس محترم با توجه به دلایل کافی نسبت به جرم واقع شده اقدام به صدور قرار وثیقه نموده اند چرا که در صورت ثابت نبودن جرم واقع شده قطعاً قرار تامین خفیف تری نسبت به ایشان صادر می گردید ضمن اینکه مطابق ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی اگر وکیل آقای الف اعتراض به قرار ضبط وثیقه داشتند باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان اعلام می نمودند توضیحاً اضافه می نماید پدر آقای الف قبل از صدور دستور مرخصی اقدام به تودیع وثیقه نموده اند و دادستان محترم با لحاظ وثیقه تودیع شده و سایر

شرایط مقرر در ماده ۵۲۰ و تبصره ۳ آن اقدام به اعطا مرخصی به آقای الف نموده اند صرفنظر از اینکه میزان مرخصی بیش از استحقاق ایشان بوده که در جای خود مورد اعتراض قرار گرفت به استحضار می رساند: ابتلاء پدر آقای الف به سکتہ مغزی پس از متواری شدن آقای الف صورت گرفته لذا پس از اتمام ایام مرخصی آقای الف پدر آقای الف موظف بوده ایشان را تحویل مرجع قضایی نماید که نهایتاً با اتمام زمان مرخصی و ابلاغ قانونی به وثیقه گذار و اظهار عجز وی از احضار محکوم به زندان و پس از جری تشریفات قانونی، دادستان دستور ضبط وثیقه که همان منزل مسکونی پدر الف می باشد را صادر نموده اند لذا اعتراض وکیل محترم آقای الف به دستور ضبط وثیقه صحیح و قانونی نبوده و پذیرفته نیست

با توجه به مراتب مرقوم و اقرار صریح آقای ب در بازجویی اولیه در خصوص ۵ جرم واقع شده توسط ایشان سرقت، خرید و فروش مواد مخدر و استفاده از سند مجعول اقدام به خروج از کشور به صورت غیر قانونی و جرائمی که ایشان سابقاً به آن محکومیت یافته اند و قرائن و امارات موجود و قسامه مبنی بر محکومیت آقای ب که همگی بیانگر جرائم واقع شده توسط ایشان می باشد ضمن تقاضای ارسال پرونده به دادگاه کیفری یک، به دلیل عدم صلاحیت دادگاه کیفری دو به رسیدگی به پرونده مذکور تقاضای صدور حکم به اشد مجازات به دلیل ارتکاب جرائم فوق مورد استدعاست.

۲- احتراماً در مقام پاسخ به لایحه فرجام خواهی وکیل محترم آقای الف در پرونده کلاسه ۹۹۰۰۱۹۰ به وکالت از آقای ب ضمن تقاضای رد درخواست فرجام خواهی عرایض و مدافعات خود را به شرح زیر به استحضار می رساند:

ضمن جرح شهود تعرفه شده از طرف وکیل محترم آقای الف به دلیل عدم بلوغ شاهد به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی که یکی از شرایط اساسی برای شاهد در زمان ادای شهادت را بلوغ عنوان نموده اظهار می دارد :

اولاً با توجه به اینکه برادر زاده آقای الف خارج از درگیری بوده لذا ایشان اطلاعی از نحوه درگیری صورت گرفته بین آقای الف و برادر آقای ب ندارند تا به عنوان شاهد بتوان به اظهارات ایشان که صرفاً یک پسر بچه ۱۴ ساله می باشند استناد نمود ثانیاً علت تامه مرگ طبق نظر پزشکی قانونی اصابت جسم سخت به سر متوفی بوده نه صرفاً ضربه چاقو لذا استدلال وکیل محترم آقای الف مبنی بر عدم حصول لوث به دلیل شهادت برادرزاده آقای الف که حتی در زمان درگیری در محل حادثه نبوده و خارج از درگیری بوده اند و نظریه پزشکی قانونی که حتی در آن نیز صراحتاً علت مرگ را ضربه چاقو ندانسته اند صحیح نبوده چرا که نظریه پزشکی قانونی از قرائن است که طریقت دارد نه از دلایل و و در پرونده حاضر موضوعیت ندارد.

۳- مستنداً به مواد ۳۱۲-۳۱۳-۳۱۷-۳۳۶-۳۳۷- قانون مجازات اسلامی و خصوصاً ماده ۳۴۰ قانون مرقوم شاکی می تواند برای اثبات محکومیت الف اقدام به اجرای قسامه نماید در خصوص عدول دو نفر از سوگند خورندگان از قسامه عنوان می نماید: اولاً مطابق ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی باید این امر برای دادگاه صادر کننده حکم ثابت شود ثانیاً صرفنظر از

پذیرش یا عدم پذیرش عدول دو نفر از ۵۰ نفر از سوگند خورندگان از سوگند خویش توسط دادگاه، طبق اظهار موکل حتی در صورت عدول دو نفر از سوگند خورندگان، موکل حاضر به معرفی دو شخص دیگر به عنوان جایگزین اشخاصی که از سوگند شان عدول نموده اند می باشد لذا با عنایت به مراتب مرقوم ضمن تقاضای رد دادخواست اعاده دادرسی وکیل آقای الف به دلیل عدول دو نفر از سوگند خورندگان از قسامه تقاضای استماع سوگند دو شخص دیگر طبق معرفی موکل و صدور حکم به محکومیت آقای ب به جرم قتل عمدی را دارد.

با عنایت به مراتب مرقوم و عدم وجود شرایط شرعی شهادت درشاهد معرفی شده از طرف آقای الف و نتیجتاً عدم امکان پذیرش شهادت ایشان به دلیل اینکه خارج از محل درگیری بوده اند و گواهی پزشکی قانونی که علت تامه مرگ را اصابت جسم سخت به سر متوفی اعلام نموده اند تقاضای رد فرجام خواهی وکیل محترم آقای الف و تایید دادنامه سابق الصدور را دارد.

با احترام – مریم بابائی